

پاسخ فعالیت 1 صفحه 49 درس ششم دفاعی دهم

فعالیت های مدافعان حرم در عراق و سوریه را بررسی کنید و ارتباط عملکرد آنان با دوران دفاع مقدس را در گروه به بحث بگذارید.

پاسخ: مدافعان حرم نیروهای نظامی هستند که توسط جمهوری اسلامی ایران سازماندهی شده و به کشورهای همسایه مانند سوریه و عراق اعزام شده اند. این نیروها قصد دارند از حرم خاندان پیامبر (ص) حفاظت کنند و به گروه های همفکر این کشورها کمک های مستشاری و عملیاتی کنند. اکثر اعضای این گروه از نیروهای رسمی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران و بسیج هستند و اکثر شهدا از این دو نهاد نظامی ایران می باشند.

این افراد بیشتر از ایران، یمن، افغانستان، عراق، سوریه و لبنان هستند. این گروه از حرم اهل بیت در برابر حمله گروه های داعش محافظت می کند. جمهوری اسلامی ایران ابتدا تنها به نقش مستشاری خود در جنگ داخلی سوریه اذعان داشت، اما پس از شهادت سربازان عالی رتبه سپاه پاسداران از این شهدا به عنوان مدافعان حرم یاد کرد و این اصطلاح رایج شد.

این اصطلاح از اوایل سال 1392 پس از تخریب قبر حضرت حجر بن عدی توسط گروه های تروریستی و تهدید این گروه ها به حمله به حرم حضرت زینب (س) وارد ادبیات اجتماعی شد. همچنین در لیست شهدای مدافع حرم، افراد اهل سنت نیز حضور دارند. در مورد شباهت شهدای مدافع حرم با شهدای دفاع مقدس می توان گفت به هر حال اهداف یکی است، رزمندگان حاضر در دفاع مقدس انگیزه دفاع از اسلام را داشتند.

در مورد برادرانی که برای دفاع از حرم حضرت زینب (س) آمده بودند نیز همینطور است. یعنی اهداف مشترک است و فقط ماهیت آن تغییر کرده است. به نوعی می توان گفت که مدافعان حرم راه شهدای دفاع مقدس را دنبال می کنند.

جواب فعالیت 2 صفحه 52 و 53 درس 6 آمادگی دفاعی دهم

معرفی اسوه های بومی از ایثارگران دوران دفاع مقدس

به صورت کار فردی یا گروهی یکی از شهدای محل زندگی خود (ترجیحاً شهید دانش آموز) را معرفی کنید. (در صورت امکان فیلم، پردهنگار یا مصاحبه هایی درباره شهید تهیه کنید.)

مشخصات فردی شهید (به همراه تصویر): شهید حسن محمد رحیمی ها در یکم دی ماه 1347 در شهر قزوین به دنیا آمد. پدرش اسدالله کارگر بود و مادرش سکینه نام داشت. او دانش آموز سال اول دبیرستان در رشته تجربی بود. از طرف بسیج به جبهه رفت. هفتم اسفند ماه سال 1362 در جزیره مجنون عراق در حالی که تنها 15 سال داشت به شهادت رسید. پیکر وی مدت ها در منطقه ماند و 13 سال پس از شهادت در سال 1375 در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد.

خصوصیات اخلاقی شهید: شهید حسن محمد رحیمی ها، فردی با رشادت بود و به دیگران هم روحیه می داد. او انسانی دل پاک و مهربان بود و با سن کمی که داشت، با فداکاری ها و رشادت های فراوان در مقابل دشمنان می ایستاد و جاتانه می جنگید.

قسمتی از وصیت نامه شهید: «پدر و مادر بزرگوaram! وقتی می خواستم به اینجا بیایم، دلم برای شما می سوخت؛ ولی چه کنم که موقعیت زمانه اقتضا می کند که جوانان به جبهه ها بروند و بجنگند، تا رستگار شوند. به امت شهیدپرور بگویند که اگر جنگ ادامه یافت، از رفتن بچه هایشان به جبهه ها جلوگیری نکنند و مانع آن ها نشوند و بگذارند تا آن ها هدفشان را دنبال کنند. همیشه دعاگوی امام باشید و مبادا او را -چون مردم کوفه- تنها بگذارید؛ همین طور دعاگوی سلامتی تمام یاران باوفایش باشید؛ کمک به رزمندگان را از هر لحاظ فراموش نکنید؛ سنگرها را خالی نگذارید؛ مسجد، مدرسه، نماز جمعه و جبهه ها را فراموش نکنید؛ مبادا با ضد انقلابیون نشست و برخاست کنید و هر کس هم ضد انقلاب حرف زد، توی دهانش بزنید و خاموشش کنید؛ مادران و پدران شهدا را دلداری دهید... و ای مادر عزیزم که چهره رنوف و مهربانت از دیدگاتم نارفتنی است، امیدوارم با شهادت من هیچ گونه خللی در اراده آهنینت وارد نشود. ای کاش من هزار جان می داشتم و در راه اسلام عزیزم می دادم.»

نظر شما درباره شهید: به نظر من شهید حسن محمد رحیمی ها، انسانی شجاع و دلیر بود که با توجه به سن کمش، دل بسیار بزرگی داشت و رشادتمندانه در مقابل نیروهای دشمن می ایستاد از کشور عزیزمان ایران دفاع می کرد. من از او یاد می گیرم تا از خودگذشتگی داشته باشم و به فردی بزرگ در جامعه تبدیل شوم.

به صورت کار فردی یا گروهی یکی از اینارگران محل زندگی خود (آزاده، جانباز یا رزمنده) را معرفی کنید. در صورت امکان مصاحبه‌ای با او انجام دهید. برای طراحی سوالات مصاحبه با دبیر خود مشورت کنید.

پاسخ: در زیر بخشی از مصاحبه فاطمه موسوی، یکی از رزمندگان دفاع مقدس را قرار داده ایم.

لطفا خودتان را معرفی کنید؟ فاطمه موسوی متولد 25 آذر 1344 هستم. در شهر شیراز در یک خانواده مذهبی به دنیا آمدم و فرزند دوم خانواده هستم، اکنون 2 فرزند دارم، و در حال حاضر دانشجوی رشته روابط عمومی دانشکده خبر شیراز می باشم.

چه شد که به فکر رفتن به جبهه جنگ افتادید؟ و در کدام منطقه عملیاتی بودید؟ وقتی حال و هوای جنگ در گرفت، من و چهار نفر از دوستانم در انجمن اسلامی دبیرستان و بچه های مکتب تصمیم گرفتیم به جبهه اعزام شویم؛ ولی مانع از حضور ما در جبهه شدند، چون هم مجرد بودیم و هم اینکه تخصص خاصی نداشتیم، با اینکه دوره امدادگری و انتقال خون را فراگرفته بودیم ولی چون متاهل نبودیم اجازه ندادند. شاید برای شما خنده دار باشد ولی بخاطر همین من و دوستانم تصمیم گرفتیم ازدواج کنیم تا بتوانیم نیروی کمکی در جبهه باشیم. البته تقدیر و خواست خداوند بر این شد که فقط چند نفر از ما به این سعادت دست بیابیم. البته بنده هم با سختی ها و ماجراهایی روبرو شدم و با تغییر در روش زندگی و خواسته هایم توانستم به این آرزو تحقق بخشم و خودم را به جبهه برسانم، البته ماجرای آن مفصل است. بعد از ازدواج به منطقه عملیاتی آبادان کوچ کردیم و به قول دوستم پرستوها زائر میشوند، من هم با تمام شوق و اشتیاق به دیار عاشقان پا گذاشتم.

چند سال در جبهه فعالیت داشتید؟ و طی چه سال هایی بود؟ بنده اسم این حضور را فعالیت نمیگذارم، بودند عزیزانی که اگر فعالیت آنها نبود جبهه لنگ وجودشان میشد. بودن من در کنار همسرم در آن شرایط هم دل خودم را راضی کرده بود و هم همسرم از اینکه امر ازدواج را انجام داده بود با روحیه ای بهتر به استقبال خطرات می رفت و می جنگید. بنده از اواسط 61 تا آخر سال چند مرحله در آبادان حاضر بودم و بعد از آن تا اواخر سال 63 در آنجا بودم.

آیا خانواده تان راضی بودند که به جبهه بروید؟ آیا کسی از خانواده تان در جبهه جنگ حضور داشتند؟ البته که برایشان سخت بود و بسیار ناراحتی میکردند و این در صحبتهای تلفنی و نامه های عزیزانم مشهود بود، اما به خواسته هایم احترام میگذاشتند و مخصوصا مادرم با اشک و زاری مرا به بازگشت از آبادان به آغوشش فرا می خواند. مخصوصا بعد از اینکه خودشان برای دیدن به آبادان آمدند و یک هفته ای در کنارمان بودند و وضعیت همیشه قرمز و کوبیدن دایمی منطقه را توسط دشمن مشاهده کردند. و اما حضور و سرکشی های خانواده ام، اقوام، خویشان و مخصوصا رزمنده های فامیل، بله بودند از فامیل که در جبهه حضور داشتند. پدرم راننده ماشین سنگین در یک شرکت بودند که به واسطه بسیجی بودن ایشان برای آوردن بار به جبهه ها اعزام میشدند، برادرم هم که سرباز شدند شش ماه در جبهه های غرب خدمت کردند از فامیل چند تن به شهادت رسیدند و چندین تن هم از جانبازان و اسرای عزتمند کشورمان هستند. نشان افتخار خدمتگذاری بر سینه بیشتر مردم ایران چشم دشمنان را کور کرده است.

بهترین و بدترین خاطره تان را از این دوران بگوئید؟ میتونم قسم بخورم شیرین ترین خاطره همین رفتنم به شهر آبادان بود اون روزی که وارد شهر شدیم دقیق و لحظاتی بود که هرگز طعم شیرینش از دلم نمیرود و بدترین خاطره ام همه ی درد کشیدن ها و جان دادن هایی بود که گاهی هم بین آنها دوستان و عزیزانمان بودند.. البته بدترین خاطره ام این بود که جامانده بودم برایم بدترین بود... به قولی... مارایت الا جمیلا به آن زمان که فکر می کنم مفهوم این سخن عمه جان حضرت زینب سلام الله علیه را کمی درک میکنم همین...

نظر مردم آن زمان در مورد حضور زن در جبهه جنگ چه بود؟ کلا مردان غیور ما راضی به حضور ما در آن مناطق نبودند ولی این خانم ها بودند که اصرار داشتند میخوایم نقشی داشته باشیم و زنان ما که درس در مکتب اسلام و عاشورا خوانده بودند اقتدا به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیه و حضرت زینب سلام الله علیه و دیگر زنان آزاده این مکتب خود را سهیم در اجر این طریق الهی و رهسپاری در راه دشوار دفاع مقدس کردند.

بهترین دوست و هم‌رزم شما در آن دوران که بود؟ الحمد لله دوستان زیادی داشتم و هنوزم چندین دوست از آن زمان ها دارم که دیدارشان روحم را آرام می کند اما در میان آن همه گل خداوند لیاقت داد چند صبايي با دو شهیده والا مقام آشنا شوم. یکی خواهر مریم فراهانی از بچه های آبادان و دیگری نسرین افضل بود که همیشه بنده به این دو عزیز به چشم استاد اخلاق نگاه می کردم... و چه زود بهار این آشنایی ها به خزان جدایی رسید.

اگر بار دیگر دشمن قصد تجاوز به ایران را داشته باشد شما باز هم برای دفاع می روید؟ چرا که نه!!!!؟؟؟ مسلما اگر جانی در بدن داشته باشم هر وقت که نیاز باشد برای دفاع آماده ام.

زنان دوران جنگ با زنان امروزی چه تفاوت هایی دارند؟ تفاوت که بسیار است. اما هستند هنوز بانوانی که مثل زنان آن زمان فکر کنند و دغدغه هایی آنچنانی داشته باشند. اینکه زنان امروزی چرا تفاوت دارند بحثی مفصل است و گاهی این تفاوت ها از زمین است تا آسمان، شاید هم خدای نکرده اگر باز موقعیت گذشته پیش آید؛ همین زنان امروزی متحول گردند و به اصل خود و نقش خود واقف شوند. اما باید تلاش کنیم تا به بانوی امروزی نقش اصلی و واقعی اش را نشان دهیم؛ همراهیش کنیم؛ و راه و مسیر را هر چه روشن تر به او بشناسانیم.